

راهکارهای معماری پیشگیری از وقوع جرم در مجموعه‌های مسکونی باز در سطح واحد مسکونی^۱

سیدامین سیدین^۲، مهرداد جواهریان^۳، حسین آقابابایی^۴، قادر بایزیدی^۵

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۱۶

چکیده

زمینه و هدف: غالب پژوهش‌های انجام شده در زمینه پیشگیری وضعی از وقوع جرم، به مفاهیمی کلی و عمومی، بدون عنایت به مسایل تخصصی مرتبط با طراحی فضا پرداخته‌اند. پژوهش حاضر در پی بررسی و استخراج راهکارهای معماری پیشگیری از وقوع جرم در سطح واحد مسکونی، با توجه به سطوح مختلف فضای سکونی است.

روش: این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا، پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام ساکنان مجموعه‌های مسکونی باز شهر رشت است که از میان آن‌ها، سه مجموعه مسکونی در «مسکن مهر رشت»، «مسکن بسیجیان تالش» و «مسکن ارکید گلزار رشت» به صورت هدف‌مند انتخاب و با توزیع ۱۰۰۰ پرسش‌نامه روا و پایا (۰/۸۰) در بین ساکنان آن‌ها، ۲۵۹ پرسش‌نامه جمع‌آوری و داده‌ها با کمک نرم‌افزار «اس.پی.اس.اس» تحلیل شدند.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که تمهیدات پیشگیرانه طراحی در راستای کاهش وقوع جرم در سطح واحد مسکونی، بیشتر براساس اصل کنترل دسترسی معنا پیدا می‌کند، بنابراین راهکارهای معماری پیشگیری از وقوع جرم در سطح واحد مسکونی، در راستای جلوگیری از نفوذ بزه‌کار از طریق تقویت حوزه‌های دسترسی به واحد (مانند بالکن‌ها، پنجره‌ها، در ورودی و...)، طراحی می‌شوند. باید توجه داشت که راهکارهای منتج از سایر اصول پیشگیری از وقوع جرم از طریق معماری به دلایل مختلفی از جمله تمایل نداشتن ساکنان به امکان رویت فضای داخل واحد مسکونی (اصل نظارت طبیعی)، نبود امکان افزایش قلمروگرایی ساکنان واحد از طریق طراحی به دلیل فقدان عرصه عمومی (قلمروپایی) و تعارض با محریمیت و آسایش فضاها داخل واحد (اصل شنودپذیری) با موفقیت کم‌تری مواجه هستند.

کلیدواژه‌ها

معماری، پیشگیری وضعی از جرم، سطح واحد مسکونی، کنترل دسترسی، طراحی

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری تخصصی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج با عنوان «دسته‌بندی راهکارهای معماری پیشگیری از وقوع جرم در مجموعه‌های مسکونی باز با توجه به سطوح مختلف فضای سکونی (واحد، ساختمان و مجموعه)» به راهنمایی دکتر مهرداد جواهریان و مشاوره دکتر حسین آقابابایی و دکتر قادر بایزیدی است.

۲. دانشجوی دکتری تخصصی معماری دانشگاه آزاد اسلامی. سنندج. ایران. رایانامه: ameen.seyyedein@gmail.com

۳. استادیار گروه معماری دانشکده معماری و هنر دانشگاه گیلان. رشت. ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه:

m2_javaherian@yahoo.com

۴. دانشیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان. رشت. ایران. رایانامه: aghababaei@guilan.ac.ir

۵. استادیار گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی. سنندج. ایران. رایانامه: q_q_bayzidi@srbiau.ac.ir

مقدمه

بیش از نیمی از جمعیت جهان را در حال حاضر، جمعیت شهری تشکیل می‌دهد و پیش‌بینی شده است که تا سال ۲۰۳۰ این میزان به ۶۰ درصد افزایش یابد (کوزن و لاول، ۲۰۱۵: ۱). امروزه رشد شهرنشینی نوین، سبب بروز معضلاتی در کیفیت زندگی انسان شده است. مباحث امنیتی و پیشگیری از وقوع جرم، از شاخصه‌های مهم کیفیت زندگی و به گفته انسان‌شناسانی مانند مازلو^۱ و ماکس نیف^۲، جزء نیازهای ضروری انسان طبقه‌بندی شده‌اند. بر اساس نظریات مختلف ارایه شده پیرامون جرم، پدیده‌های مختلفی چون ذات، ویژگی‌های طبیعی، فقر، فقدان آموزش‌های عمومی و اجتماعی، غلبه نظام‌های سرمایه‌داری و بروز اختلاف‌های طبقاتی، ضعف مراجع قانونی و بسیاری عوامل دیگر، بر بروز جرائم مؤثراند.

از این میان جرایم مرتبط با خانه و کاربری‌های مسکونی [که در اینجا مسکن مجموعه‌ای مد نظر است]، محمل وقوع بسیاری از گونه‌های بزه و از مهم‌ترین آماج جرم به حساب می‌آیند. پژوهش‌های انجام شده در آمریکا و انگلیس، نشان می‌دهد که بیش از ده درصد انواع بزه‌های مکان‌محور، در منازل مسکونی اتفاق می‌افتند. جنایاتی که به طور خاص شامل مناطق مسکونی هستند، جنایاتی هستند که ورود غیرمجاز به خانه را به دنبال دارند (سکیپ و عبدالله، ۲۰۱۰: ۳۴۱). بنابراین ضرورت پرداختن به این مسئله و تلاش برای پیش‌بینی تمهیداتی پیشگیرانه در این حوزه که در اینجا از نگاه معماری بررسی می‌شود، بسیار روشن است؛ به‌ویژه که پژوهش‌های بسیاری نشان داده‌اند که میزان وقوع بزه در مکان‌های مختلف با یکدیگر متفاوت‌اند و این اهمیت و تأثیر معماری به‌عنوان ظرف وقوع روی دادها را خاطر نشان می‌سازد. هدف پژوهش حاضر، ارایه راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم در مجموعه‌های مسکونی، در سطح واحد مسکونی است. در حقیقت پژوهش حاضر می‌کوشد مباحث پیرامون پیشگیری از وقوع جرم را از حالت کلی و غیر تخصصی، به سمت دقت بیشتر و کاربرد آگاهانه‌تر سوق دهد. لازم به ذکر است که تمرکز پژوهش حاضر بر جنبه غیرفعال بودن راهکارها است، به گونه‌ای که بدون صرف هزینه‌های انسانی، مالی و تجهیزات مربوطه و تنها از طریق طراحی، پیش‌بینی

1 Maslow

2 Max-Neef

راهکارهای کالبدی مورد نیاز در بحث پیشگیری از وقوع جرم انجام پذیرد. فرضیه‌ای که در این نوشتار تعقیب می‌شود عبارت است از این‌که: به نظر می‌رسد راهکارهای معماری پیشگیری از وقوع جرم در سطح واحد مسکونی، بیش‌تر براساس اصل کنترل دسترسی تحقق می‌یابند.

مبانی نظری

جرم: جرم یکی از رفتارهای ناهنجار بشری است که در بسیاری از موارد نظم جامعه را خدشه‌دار می‌سازد (رحمت، ۱۳۹۰: ۲۳). در فرهنگ انگلیسی آکسفورد، جرم، اینگونه تعریف شده است: «عملی دارای مجازات قانونی که به موجب قانون، ممنوع بوده و برای رفاه عمومی مضر است». سه نظریه برای علل ارتکاب جرم ارائه شده است:

۱. جرم اتفاق می‌افتد، زیرا برخی افراد به‌صورت فطری و ذاتی، ظرفیت ارتکاب جرم را دارند؛

۲. جرم اتفاق می‌افتد، زیرا شرایط و وضعیت مساعد برای ارتکاب جرم مهیا است؛

۳. جرم اتفاق می‌افتد، چون پاسخی است برای یک وضعیت که بزهدار پاسخ دیگری برای آن نیافته است (کلارک و اک، ۱۳۸۸: ۹۰). پژوهش‌های گسترده و عمیقی که جرم‌شناسان در زمینه علل وقوع جرم به عمل آورده‌اند به خوبی اثبات کرده است که بروز هر جرمی و دگرگونی‌هایی که در کمیت و کیفیت آن پدید می‌آید، به دو محیط جغرافیایی و اجتماعی وابسته است. دانشمندان معتقدند که هرگونه تغییری در شرایط و مقتضیات این دو محیط، به‌ویژه محیط اجتماعی به وجود آید، به‌طور مستقیم بر افراد تأثیر می‌گذارد و جرایم مختلف را شکل می‌دهد یا آنها را از بین می‌برد (اکبری و گهرپور، ۱۳۹۲: ۶۱).

پیشگیری از وقوع جرم: پیشگیری یک مفهوم کلی است و به مجموعه اقدام‌هایی گفته می‌شود که برای جلوگیری از فعل و انفعالات زیان‌آور محتمل بر فرد و گروه به عمل می‌آید. در جرم‌شناسی، پیشگیری عبارت است از: به مواجهه تبه‌کاری رفتن با استفاده از فنون گوناگون مداخله به‌منظور ممانعت از وقوع بزه‌کاری. هدف اصلی پیشگیری از جرم، کنترل اعمال

مجرمانه است و در کنترل اعمال مجرمانه، اصلاح و بازداشتن مجرم و حفاظت و حمایت از بزه‌دیده و جامعه مد نظر است (گل محمدی خامنه، ۱۳۸۷: ۵). تمام کشورها به دنبال ایجاد ثبات و امنیت برای شهروندان خود و بالابردن کیفیت زندگی ایشان هستند. رهنمودهای پیشگیری از جرم که توسط نهادهای مرتبط با سازمان ملل تهیه شده، ماحصل سال‌ها تجربه و کار برای پاسخ به این مشکلات است. این تجارب نشان می‌دهد که کشورها در صورت بهره بردن از رویکردهای عمل‌گرا و علمی، می‌توانند گامی مثبت برای ساختن جامعه‌ای ایمن بردارند. ناگفته پیداست که چنین رویکردهایی به کلی متفاوت و کم‌هزینه‌تر از پاسخ‌ها و واکنش‌های سرکوبگرانه و بازدارنده نسبت به جرم خواهد بود (جوان جعفری و سیدزاده ثانی، ۱۳۹۱: ۲۰). پیشگیری از وقوع جرم، رویه‌های مختلفی را شامل می‌شود. انواع پیشگیری‌های کیفری، وضعی و اجتماعی از جمله این رویه‌ها محسوب می‌شوند. در ادامه، به پیشگیری از وقوع جرم از طریق معماری که در حوزه‌ی پیشگیری‌های وضعی است، پرداخته می‌شود.

پیشگیری از وقوع جرم از طریق معماری: پیشگیری از وقوع جرم از طریق معماری ارتباط تنگاتنگی با ویژگی‌های محیط و مکان روی داد جرم دارد. پیشگیری وضعی که رویکردی موقعیت‌مدار است، در صدد از بین بردن موقعیت جرم از طریق برهم زدن عناصر تشکیل‌دهنده موقعیت است. بنابراین مکان را می‌توان یکی از ملاحظات اساسی در هر نوع برنامه‌ریزی برای پیشگیری وضعی دانست (ذوالقدر، ۱۳۹۱: ۳۸۲). بزه‌کاران با توجه به ویژگی‌های جرم‌شناختی حاکم بر منطقه یا محل، در انتخاب مکان ارتکاب جرم، دست به محاسبه‌هایی منطقی می‌زنند. بر این مبنا، می‌توان با توجه به مکان، به تدابیر پیش‌گیرانه جهت بخشید و به مؤثرترین شیوه، منابع محدود پیش‌گیری را صرف بحرانی‌ترین اماکن کرد (مقیم، ۱۳۹۶: ۱۵۵). در پیشگیری وضعی، دولت و بزه‌دیده با اقداماتی که برای محافظت از خود در برابر بزه‌کار انجام می‌دهد، از فرصتی که برای بزه‌کار ممکن است فراهم شود، جلوگیری می‌کنند (بابایی و انصاری، ۱۳۹۳: ۴۶). کشورهای مختلف در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که تغییر اوضاع و احوال محیطی و موقعیت‌های جرم‌زا، مؤثر و بلکه ضروری است. پاک‌سازی محله‌ها و خیابان‌های متروکه، تغییر معماری ساختمان‌ها یا بازسازی

و مرتب کردن مکان‌های عمومی، تامین روشنایی مناسب و نظارت کافی، از جمله اقداماتی است که موقعیت‌های جرم‌زا را کاهش می‌دهد (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۲۱۰). مطابق آموزه‌های جرم‌شناسی محیطی، جرم حاصل انتخاب به هنگام بزه کار است؛ انتخابی که با فراهم آمدن یک موقعیت مناسب برگزیده می‌شود. از این رو مکان نقش چشم‌گیری در پیدایش موقعیت جرم ایفا می‌کند و می‌توان آن را بستر پایدار و دائمی موقعیت جرم محسوب کرد (ذوالقدر، ۱۳۹۱: ۳۸۲). ۹۰ درصد از آن چه اقدامات خراب‌کارانه نامیده می‌شود، از طریق طراحی (معماری) قابل پیشگیری است (گلدشتاین، ۱۳۹۱: ۷۹ به نقل از وین مایر^۱، ۱۹۶۹: ۲۸۶). از نظر جرم‌شناسان محیطی، عبارت «فراهم شدن موقعیت‌های مناسب، باعث ارتکاب سرقت می‌شود» فقط یک شعار نیست، بلکه شالوده یافته‌های آن‌ها است. آن‌ها معتقدند اگر زمینه ارتکاب جرم وجود داشته باشد به دنبال آن، نرخ ارتکاب جرم نیز افزایش می‌یابد. در مقابل، گروه دیگری از جرم‌شناسان معتقدند که موقعیت جرم فقط می‌تواند «زمان و مکان» ارتکاب جرم را معین کند نه این که باعث ارتکاب جرم شود. از دیدگاه آنان، این که جرم اتفاق خواهد افتاد یا خیر، فقط به میل و گرایش باطنی بزه‌کاران بستگی دارد، بنابراین «گرایش باطنی» بزه‌کار است که نرخ جرم را در جامعه مشخص می‌کند (کلارک و اک، ۱۳۸۸: ۷۶). از منظر علت‌شناختی، مسکن به‌عنوان یکی از علل بیرونی جرم، هم در شمار علل اجتماعی و هم در علل فیزیکی جرم قرار می‌گیرد (کی‌نیا، ۱۳۷۰: ۴۸۸).

اصول پیشگیری از وقوع جرم از طریق معماری: نظریه‌های مختلفی در راستای

پیشگیری وضعی از وقوع جرم در دهه‌های اخیر ارائه شده‌اند که هر یک از آن‌ها، اصولی را برای استخراج راهکارهای پیشگیرانه، ارائه کرده‌اند. برای نمونه می‌توان نظریه «سی.پی.تی.ای.دی»^۲ را نام برد که در آخرین بازنگری خود مشتمل بر ۱۱ اصل بود:

- ۱- نظارت، ۲- کنترل دسترسی، ۳- قلمروگرایی، ۴- دشوار کردن دستیابی به اهداف مجرمانه، ۵- مدیریت نگهداری، ۶- حمایت از فعالیت‌های اجتماعی، ۷- خوانایی محیط، ۸- میزان حضور مردم در محیط، ۹- مقیاس انسانی، ۱۰- کاهش آلودگی صوتی در محیط و

1 -Weinmayer

2- CPTED

۱۱ ° مکان‌یابی. بدیهی است که رویکرد پژوهش حاضر، بررسی اصول قابل کاربرد در طراحی از میان اصولی که در پیشگیری‌های وضعی ارایه شده‌اند، است. به عبارت دیگر، پژوهش حاضر از میان اصول ارایه شده در نظریات مختلف پیشگیری از وقوع جرم، آن‌هایی را که قابلیت کاربرد مستقیم در طراحی معماری داشته‌اند، مدنظر قرار داده است. در حقیقت اصول مرتبط با حوزه‌هایی که به طور مستقیم با طراحی سروکار ندارند، مانند مشارکت عمومی، مسایل فرهنگی و آموزش همگانی، تعمیر و نگهداری، روانشناسی محیط، سیاست‌های اقتصادی و مدیریتی، بحث‌های پیرامون تعیین یا تغییر قوانین کیفری و جزایی و...، که بسیاری از آن‌ها در نظریه‌های مکان‌محور پیشگیری از وقوع جرم ارایه شده‌اند، از مرز پژوهش حاضر خارج هستند. در انتخاب این اصول، نگاه جامع به سطوح مختلف فضای سکونتی، تأثیر بسیاری داشته است. به طوری که برخی از این اصول در برخی سطوح، می‌توانند کارآیی کم‌تر یا بیش‌تری داشته باشند. بدین‌منظور اصول زیر از مجموعه اصول مورد توجه در نظریه‌های پیشگیری وضعی از وقوع جرم مورد توجه قرار گرفتند: نظارت طبیعی^۱، شنودپذیری، کنترل دسترسی (کنترل طبیعی ورود^۲) و قلمروپایی (تعیین حدود قلمرو^۳).

نظارت طبیعی: نظارت طبیعی عبارت است از توانایی مشاهده وقایع بدون اتخاذ تدابیر ویژه؛ به عبارتی، نظارت طبیعی شامل کاهش فرصت‌های جرم با سامان‌دهی کالبدی برای به حداکثر رساندن میزان دید است. نظارت طبیعی را می‌توان با طراحی پنجره‌ها و ایجاد فضای دید مستقیم و باز ایجاد کرد. نظارت طبیعی را با حضور فعال مسئولی خاص در محیط برای کنترل رفتار دیگران نیز می‌توان تامین کرد (اشنایدر، ۱۳۸۵: ۱۵). بدون شک یک مجرم نمی‌خواهد در حال ارتکاب جرم دیده شود. داشتن دید مناسب از درون ساختمان‌ها و نورپردازی‌های بهتر، به شکل مؤثری می‌تواند مراقبت‌های طبیعی معابر، خیابان‌ها و حریم اطراف منازل ساختمان‌ها را افزایش داده و میزان جرم را کاهش دهد (اکبری و گهرپور، ۱۳۹۲: ۸۲).

کنترل دسترسی: عبارت است از قدرت محدود کردن ورود افراد و نیز نحوه ورود آن‌ها به اماکن خاص (اشنایدر، ۱۳۸۵: ۱۶). چنانچه ورودی‌های مجتمع‌های ساختمانی، پارکینگ‌های عمومی، ادارات و مراکز تفریحی به طور مناسب کنترل و نگهداری شوند، خود به خود فعالیت مجرمان محدود شده و جرایم کمتر اتفاق می‌افتد (اکبری و گهرپور، ۱۳۹۲). کنترل دسترسی طبیعی در حقیقت هدایت حرکت افراد و یا جلوگیری از ورود ایشان به فضاها با توجه به مرزها است. (پیتارد و رایان، ۲۰۱۰: ۲). بهبود نظارت و کاهش دسترسی غیرقانونی، احتمال سرقت را کاهش می‌دهد (کلارک، ۱۳۸۸: ۳۸). باید توجه داشت که منظور از کنترل دسترسی، می‌تواند کنترل دسترسی بصری باشد، یعنی کنترل امکان دیده شدن یا نشدن یک فضا؛ ساختمان‌هایی که معمولاً سراسر دیوارهای آن شیشه‌ای است، دست سارقان را باز می‌گذارد تا بتوانند هر شخص موجود در ساختمان را مشاهده کنند یا هر کالای ارزشمند را برابند (کلارک و اک، ۱۳۸۸: ۱۵۲).

تعیین حدود قلمرو (قلمروپایی): منظور از تعیین حدود قلمرو، توانایی برقراری اقتدار در محیط و تعیین شخص مسئول در منطقه و کسانی که مجازند در آن حضور داشته باشند و آن‌هایی که اجازه حضور ندارند، است. (اشنایدر، ۱۳۸۵: ۱۶). از نگاه نیومن، قلمرومداری یعنی تقسیم مکان‌ها به نواحی نفوذ، برای بازداشتن بیرونی‌ها و تشویق ساکنان برای دفاع از این منطقه (مگواپر، مورگان و رینر، ۱۳۹۳: ۱۴۰۸). مردم با احساس مالکیتی که نسبت به اموال و املاک خود دارند، از آن‌ها محافظت می‌کنند. قرار دادن دیوار، حصار، نرده، تابلو و علائم هشدار، حریم‌های فیزیکی مناسبی هستند که حدود مالکیت را مشخص می‌کند. لذا با تعیین مالکیت‌های شخصی می‌توان موانعی را بر سر راه مجرمان (متجاوزان) ایجاد کرد (اکبری و گهرپور، ۱۳۹۲: ۸۲).

شنودپذیری: شنودپذیری بر سنجش میزان قابلیت محیط در استفاده از صداهای کمک‌خواهی و پرهیز از ایجاد شرایط مناسب برای مجرم از لحاظ شنیده‌نشدن صداهای ناشی از ارتکاب جرم یا استمداد مجرم تاکید دارد. بدیهی است که راهکارهای اصل شنودپذیری با راهکارهای مکمل دیگر اصول، به‌ویژه اصل رویت‌پذیری و نظارت طبیعی، ثمربخش خواهند

بود. اگر قرار باشد برای واکنش به فریاد کمک خواهی یا فریادی بلند، دری بزرگ را باز کرد و وارد بن بست شد، دیگر نظارت طبیعی وجود نخواهد داشت و شاید واکنش در این زمینه اثری خاص نگذارد (اشنایدر، ۱۳۸۵: ۱۵). تعامل نظارت و شنودپذیری را می‌توان در این جمله دریافت: من بلافاصله محیط اطراف بیرونی را بازرسی می‌کنم، هر زمان که صدای بلند و یا سر و صدای مشکوک بشنوم (سکیپ و عبدالله، ۲۰۱۰: ۳۴۱). البته واکنش‌هایی نسبت به تلاش برای القای قابلیت شنودپذیری به محیط قابل پیش‌بینی خواهد بود. در حالی که بسیاری از اعضای یک جامعه متعهد به از بین بردن جرم عمومی و مایل به مداخله برای منافع مشترک در محیط‌های عمومی هستند، نسبت قابل توجهی بر این باورند که آنچه در پشت درهای بسته صورت می‌گیرد «به آنها ارتباطی ندارد» و یا فقط یک «اختلاف داخلی» است (شوارتز، رنرتی، شهید و دی کسردی، ۲۰۰۵: ۲۹).

علت ارجحیت اصل کنترل دسترسی در سطح واحد مسکونی: راهکارهای
پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی در سطح واحد مسکونی، بیشتر از اصل کنترل دسترسی منشعب می‌شوند، زیرا طراحی با سلسله مراتبی از تأثیرات - از تأثیرات کلان گرفته تا تأثیرات خرد (مانند اقداماتی که برای انتخاب نوع واحد از نظر محل ورودی و جبهه‌های نوری توسط طراح انجام می‌گیرد و راهبردهای طراحی مانند انتخاب سیستم‌های زون‌بندی و...، تا تأثیر در نحوه شکل‌گیری عناصر معماری و تصمیم‌گیری در مورد کیفیت آن‌ها (عناصری مانند بالکن‌ها، واشوها، در ورودی و...) - همه و همه تلاش‌هایی است که در راستای سخت کردن نفوذ به واحد مسکونی که در این جا خود به‌عنوان آماج جرم قلمداد می‌شود، انجام می‌پذیرد. بدیهی است که در چنین حالتی، اولویت نیز در پرداختن به راهکارهای اصل کنترل دسترسی (نسبت به راهکارهای مستخرج از اصول قلمروپایی، نظارت طبیعی و شنودپذیری) است. شاهد این مدعا، نتایج به دست آمده از بررسی‌های میدانی و تحلیل‌های حاصل از پرسش‌نامه است. ساکنان واحدهای مورد مطالعه، تمایلی به رویت فضاهای داخلی واحد مسکونی‌شان ندارند (بر اساس ملاحظه محرمانه)، بنابراین پرواضح است که تمهیدات پیشگیرانه در سطح واحد، براساس اصل نظارت ثمره‌ی چندانی ندارد و با اقبالی از سوی

کاربران روبه‌رو نمی‌شود (همان‌طور که در نتایج پرسش‌نامه نیز مشخص است) و حتی ممکن است سبب شناسایی دارایی‌های مهم و تحریک مجرمان بالقوه شود.

در سطح واحد مسکونی اگرچه اقدامات قلمروگرایانه به خاطر وضوح حدود و مرزهای قلمرو با دیوارها که سبب تعریف واحد مسکونی و تشخیص آن از محیط اطراف آن هستند، به صورت کامل نمایان است، اما باز هم راهکارهای این اصل، متناسب با اهداف پیشگیری از وقوع جرم در سطح واحد مسکونی نیست، زیرا پرواضح است بحث قلمروگرایی در مناقشات قلمرویی و به‌ویژه در مرزهای میان قلمروهای عمومی و قلمروهای خصوصی (فضاهای نیمه-عمومی / نیمه‌خصوصی) به وجود می‌آید و در این حوزه‌هاست که راهکارهای قلمروگرایانه با راهبردهای مختلف مانند القای حس مالکیت فردی یا گروهی بر یک فضا برای افزایش میزان مراقبت و دفاع از آن فضا توسط مالکان و نبود حس فضای گمشده و بی‌صاحب در فضا و متبادر شدن آن در ذهن بزه‌کار، معنا پیدا می‌کند. حال آن‌که فضای داخل واحد مسکونی برای ساکنان آن واحد نسبت به خارج آن، به کلی خصوصی محسوب می‌شود. (البته این مسئله، در مورد خانه‌های ویلایی تک‌خانواری که هر واحد معادل یک ساختمان است، قابل تعمیم نیست و منظور پژوهش حاضر، واحد مسکونی موجود در یک مجموعه مسکونی با تراکم متوسط مدنظر است). از طرف دیگر، حضور بیگانه در داخل واحد مسکونی، مبین وقوع جرم است و به این ترتیب، دیگر نیازی به تدابیر منتج به افزایش میزان قلمروپایی در سطح واحد مسکونی نیست. راهکارهای اصل شنودپذیری نیز به علت تعارض با حریمیت و آسایش فضاهای داخلی واحد، با اقبال چندانی مواجه نیستند و تنها در قالب این هدف که در صورت بروز بزه در یکی از اتاق‌های واحد مسکونی، ساکنان سایر اتاق‌ها متوجه صدای احتمالی در هنگام وقوع بزه با فریاد استمداد بشوند، می‌توانند ثمربخش باشند.

به این ترتیب در سطح واحد مسکونی، آن‌چه در اختیار طراح می‌ماند برای تنظیم و تسبیق تمهیداتی ثمربخش و واقعی در راستای پیشگیری از وقوع جرم، راهکارهای کنترل دسترسی بصری و فیزیکی به داخل واحد مسکونی است. این راهکارها بیشتر به حفاظت از در ورودی و بازشوها (بالکن و پنجره) به عنوان دو راه اصلی نفوذ بزه‌کاران به داخل واحد مسکونی

می‌پردازند. چنانچه در پژوهش‌های کتابخانه‌ای و نتایج پرسش‌نامه نیز بالکن و در ورودی به‌عنوان اصلی‌ترین راه نفوذ و عامل نگرانی ساکنان از وقوع جرم از طریق آن‌ها قلمداد شده است. ولی باید توجه داشت که در سایر سطوح فضای سکونتی، اولویت ارایه راهکار، الزاما مانند آن‌چه در سطح واحد سکونتی است، نیست و این امر ضرورت بررسی کلیه اصول برای هر سطح را تبیین می‌سازد. هم‌چنین نتایج پژوهش حاضر به‌حالاتی که واحد مسکونی برابر با سطح ساختمان مسکونی است (مانند خانه‌های روستایی، خانه‌های ویلایی و مسکن‌های یک‌طبقه)، نیز قابل تعمیم نیست زیرا از مرز پژوهش حاضر خارج است و در این‌جا، تنها واحد مسکونی در یک مجموعه مسکونی باز با تراکم متوسط مدنظر است.

در نهایت باید اذعان داشت، از آن‌جایی که دسترسی به یک واحد مسکونی از طریق واشوهای آن (بالکن‌ها، پنجره‌ها و در ورودی) امکان‌پذیر است، در نتیجه، پیش‌بینی راهکارهای معماری برای کنترل دسترسی به این عناصر، سبب کاهش وقوع جرم در سطح واحد مسکونی می‌شود.

مفهوم نوین فضای سکونتی: در پایان قرن بیستم، مفهوم جدیدی برای فضای سکونتی بیان شد که نسبت به قبل کامل‌تر بود، گستره بیشتری را در برمی‌گرفت و فعالیت و کاربری‌های متفاوتی را در خود جای می‌داد. در این مفهوم، در عمل جایگاه ویژه‌ای برای طراحی مسکن ایجاد شد، که یک طرف آن جهان اشیاء در زندگی خانوادگی و طرف دیگر آن اقامتگاه یا سکونتگاه به معنای کلان آن (مانند شهر) قرار دارد. در قرن بیستم، شمار زیادی از معماران، بر این نظر بودند که طراحی یک شهر، فقط بخشی از یک پیوستار طراحی است که در کلیه مقیاس‌ها گسترش می‌یابد، از طراحی یک بنا گرفته تا شهرها در بزرگ‌ترین مقیاس و دستگیره‌های در، در کوچک‌ترین مقیاس (دانستر، ۱۳۸۵: ۱). سطوح مختلف فضای سکونتی عبارت‌اند از: فضا، واحد، ساختمان، مجموعه، محله، منطقه و شهر یا شهرک (جوهریان و سیدین، ۱۳۹۰: ۳). امروزه الگوی طراحی شهر باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که مقیاس انسانی به‌عنوان مهمترین واحد اندازه‌گیری مورد توجه باشد و سطوح، فاصله و مقررات منطبق با مقیاس انسانی مدنظر باشد. بکارگیری چنین مقیاسی در عمل به سلسله مراتب فضاها و

شبکه‌های ارتباطی، گذران اوقات فراغت و مکان‌یابی اشتغال در تقسیم‌بندی کالبدی هم منجر خواهد شد. در حالی که مقوله سکونت و تبلور و فضایی آن، یعنی مسکن، به‌عنوان خمیرمایه این فعالیت‌ها، نقش اساسی داشته و به پراکنش فعالیت‌های شهری شکلی منطقی خواهد بخشید. با محور قرار دادن انسان و مقیاس انسانی، تقسیم‌های کالبدی شهر از خرد تا کلان جای خویش را می‌یابد (زیاری، ۱۳۸۸: ۳۴). مسکن نامناسب می‌تواند با در اختیار قرار دادن فرصت‌های مجرمانه، تسهیل‌کننده فرآیند گذار از اندیشه به عمل و درنهایت، محیطی ناامن با خطر بزه‌دیدگی بالا باشد. این نگرانی به‌ویژه در مجتمع‌های مسکونی بسیار مشهود است (قربان‌پور راسخ و بابایی، ۱۳۹۶: ۲۰۷).

مجموعه مسکونی (گروه مسکونی یا کوچه): از میان سطوح مختلف فضای سکونتی، دامنه کلی کارکرد پژوهش حاضر در سطح یک واحد مسکونی است که این واحد مسکونی، به شکل یک تک‌بنا نیست و در یک مجموعه مسکونی جانمایی شده است. مجموعه مسکونی، رده کالبد سکونتی [مشمول بر] ۲۰۰-۹۰ خانوار و با دامنه نوسان شعاع دسترسی ۱۰۰-۱۵۰ متر است که با عنصر شاخص توقفگاه جمعی و بر پایه چگونگی دسترسی به عنصر شاخص مشخص می‌شود. هر گروه مسکونی با راسته پیاده مسکونی و شبکه سواره درون محله‌ای از کوی‌های مجاور جدا می‌شود (حبیبی و مسایلی، ۱۳۸۷: ۸)؛ باید توجه داشت که منظور پژوهش حاضر از واحد مسکونی، درحقیقت واحد مسکونی‌ای است که در یک مجموعه مسکونی با تراکم متوسط (یعنی دارای ساختمان‌هایی با سه تا شش طبقه) جانمایی شده است.

در یک مجموعه مسکونی باز، راهکارهای ایجاد امنیت از طریق طراحی معماری، به‌صورت غیرفعال است و برخلاف مجموعه‌های مسکونی بسته، از کنترل‌های فیزیکی و راه حل‌های فعال برای پیشگیری از وقوع جرم، استفاده نمی‌شود. طراحی مجموعه‌های مسکونی باز، از آن جایی بسیار مهم است که یکی از اهداف طراحی شهری نوین، قابلیت بهره‌برداری از تمامی فضاهای شهری و در دسترس بودن آن‌ها برای همه شهروندان قلمداد می‌شود. همچنین این نوع

مجموعه‌های مسکونی، از میزان هزینه‌های خدماتی، حفاظت‌ها و حراست‌های فیزیکی می‌کاهد.

پیشینه پژوهش: تقریباً از دهه ۱۹۷۰ دیدگاه‌ها و ابزار زیادی برای فهم رابطه مکان و جرم مطرح شده است. نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی^۱ از جمله این دیدگاه‌ها است. (اکبری و گهرپور، ۱۳۹۲) این نظریه یک راهبرد عملی برای کاهش فرصت‌ها برای رفتار جنایی و نامطلوب است و بر این ایده استوار است که می‌توان از طریق طراحی محیطی برای کاهش و یا جلوگیری از بروز جرم و جنایت علیه افراد و اموال استفاده کرد. کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا» (۱۳۶۱) اثر جین جیکوبز، گام بزرگی در مسیر طراحی آگاهانه محیطی برای برقراری امنیت در اماکن عمومی بود. کتاب «پیشگیری از وقوع جرایم از طریق طراحی محیطی» اثر «سی ری جفری»^۲، کتاب «فضای قابل دفاع»^۳ اسکار نیومن^۴ و نظریه «پنجره‌های شکسته»^۵ اثر جیمز کیو ویلسن^۶ و جورج ال کلینگ^۷ در ۱۹۸۲ تأثیر سوء محیط اطراف بر رفتار انسان را تعیین می‌کنند (اشنايدر، ۱۳۸۵:۱۳). تقریباً هم‌زمان با شکل‌گیری نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، در جامعه علمی بریتانیا نظریه‌های مشابهی مطرح شد، به طوری که در خلال دهه ۱۹۸۰، پوینر^۸ در کتاب خود با عنوان «طراحی علیه جرم»^۹ اظهار داشت برای جلوگیری از وقوع جرایم شهری باید به مکان‌های با امکان دسترسی سریع مجرمان و هم‌چنین امکان خروج سریع، توجه کافی شود، زیرا این مکان‌ها عامل مهمی در وقوع جرایم هستند. این دیدگاه برخی مشخصات کالبدی شهر را مؤثر در وقوع جرم دانسته و به طراحان شهر برای ساخت فضاهای مقاوم‌تر در برابر جرم توصیه‌هایی دارد (اکبری

1- Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED)

2-The Death and Life of Great American Cities

3- C. Ray Jeffery

4- Defensible space

5- Oscar Newman

6- Broken windows

7- James Q. Wilson

8- George L. Kelling

9- Poyner

10- Design Against Crime

و گهرپور، ۱۳۹۲: ۸۳). نظریه‌های دیگری نیز در حوزه پیشگیری مکان‌محور و وضعی از وقوع جرم ارایه شده‌اند که در آن‌ها، تفاوت‌هایی در حوزه‌های رویه‌ای، مقیاسی، عوامل تأثیرگذار و میزان تأثیر راهکارها، دیده می‌شود.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا، پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام ساکنان مجموعه‌های مسکونی باز شهر رشت است که از میان آن‌ها، سه مجموعه مسکونی در «مسکن مهر رشت»، «مسکن بسیجیان تالش» و «مسکن ارکید گلزار رشت» به صورت هدف‌مند انتخاب و با توزیع ۱۰۰۰ پرسش‌نامه روا و پایا (۰/۸۰) در بین ساکنان آن‌ها، ۲۵۹ پرسش‌نامه جمع‌آوری و داده‌ها با کمک نرم‌افزار «اس.پی.اس.اس» تحلیل شدند.

یافته‌های توصیفی

جنسیت					
درصد تراکمی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	مسکن	
۵۰	۵۰	۵۰	۳۲	مرد	بسیجیان
۱۰۰	۵۰	۲۰	۳۲	زن	
	۱۰۰	۱۰۰	۶۴	کل	
۴۵/۲	۴۵/۲	۴۵/۲	۶۶	مرد	مهر
۱۰۰	۵۴/۸	۵۴/۸	۸۰	زن	
	۱۰۰	۱۰۰	۱۴۶	کل	
۵۱	۵۱	۵۱	۲۵	مرد	گلزار
۱۰۰	۴۹	۴۹	۲۴	زن	
	۱۰۰	۱۰۰	۴۹	کل	

سن					
درصد تراکمی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	مسکن	
۳۰/۶	۳۰/۶	۲۹/۷	۱۹	زیر ۲۵ سال	بسیجیان
۵۶/۵	۲۵/۸	۲۵	۱۶	۲۶ تا ۳۵ سال	
۸۵/۵	۲۹	۲۸/۱	۱۸	۳۶ تا ۴۵ سال	
۹۶/۸	۱۱/۳	۱۰/۹	۷	۴۶ تا ۵۵ سال	
۱۰۰	۳/۲	۳/۱	۲	بالای ۵۵ سال	
	۱۰۰	۹۶/۹	۶۲	کل	
		۳/۱	۲	بی پاسخ	
		۱۰۰	۶۴	کل	
۱۶/۴	۱۶/۴	۱۶/۴	۲۴	زیر ۲۵ سال	مهر
۵۳/۴	۳۷	۳۷	۵۴	۲۶ تا ۳۵ سال	
۸۰/۸	۲۷/۴	۲۷/۴	۴۰	۳۶ تا ۴۵ سال	
۹۳/۲	۱۲/۳	۱۲/۳	۱۸	۴۶ تا ۵۵ سال	
۱۰۰	۶/۸	۶/۸	۱۰	بالای ۵۵ سال	
	۱۰۰	۱۰۰	۱۴۶	کل	
۸/۵	۸/۵	۸/۲	۴	زیر ۲۵ سال	گلزار
۴۸/۹	۴۰/۴	۳۸/۸	۱۹	۲۶ تا ۳۵ سال	
۷۶/۶	۲۷/۷	۲۶/۵	۱۳	۳۶ تا ۴۵ سال	
۸۳	۶/۴	۶/۱	۳	۴۶ تا ۵۵ سال	
۱۰۰	۱۷	۱۶/۳	۸	بالای ۵۵ سال	
	۱۰۰	۹۵/۹	۴۷	کل	
		۴/۱	۱	بی پاسخ	
		۱۰۰	۴۹	کل	

راهکارهای معماری پیشگیری از وقوع جرم در مجموعه‌های مسکونی باز در سطح واحد مسکونی / ۱۰۳

تحصیلات					
درصد تراکمی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	مسکن	
۱۹/۴	۱۹/۴	۱۹/۴	۱۲	زیر دیپلم	بسیجیان
۵۹/۷	۴۰/۳	۵۹/۷	۲۵	دیپلم	
۷۲/۶	۱۲/۹	۷۲/۶	۸	کاردانی	
۹۶/۸	۲۴/۲	۹۶/۸	۱۵	کارشناسی	
۱۰۰	۳/۲	۱۰۰	۲	کارشناسی ارشد و دکتری	
	۱۰۰		۶۲	کل	
			۲	بی پاسخ	
		۱۰۰	۶۴	کل	
۱۲/۳	۱۲/۳	۱۲/۳	۱۸	زیر دیپلم	مهر
۵۴/۸	۴۲/۵	۵۴/۸	۶۲	دیپلم	
۷۲/۶	۱۷/۸	۷۲/۶	۲۶	کاردانی	
۹۶/۶	۲۴	۹۶/۶	۳۵	کارشناسی	
۱۰۰	۳/۴	۱۰۰	۵	کارشناسی ارشد و دکتری	
	۱۰۰		۱۴۶	کل	
۸/۳	۸/۳	۸/۳	۴	دیپلم	گلسار
۲۵	۱۶/۷	۲۵	۸	کاردانی	
۶۸/۸	۴۳/۸	۶۸/۸	۲۱	کارشناسی	
۱۰۰	۳۱/۳	۱۰۰	۱۵	کارشناسی ارشد و دکتری	
	۱۰۰	۹۸	۴۸	کل	
		۲	۱	بی پاسخ	
		۱۰۰	۴۹	کل	

تعداد اعضا خانواده				
درصد تراکمی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	مسکن
۳/۱	۳/۱	۳/۱	۲	۱ نفر
۱۲/۵	۹/۴	۹/۴	۶	۲ نفر
۲۸/۱	۱۵/۶	۱۵/۶	۱۰	۳ نفر
۶۴/۱	۳۵/۹	۳۵/۹	۲۳	۴ نفر
۷۳/۴	۹/۴	۹/۴	۶	۵ نفر
۸۷/۵	۱۴/۱	۱۴/۱	۹	۶ نفر
۱۰۰	۱۲/۵	۱۲/۵	۸	۷ نفر و بیشتر
	۱۰۰	۱۰۰	۶۴	کل
۱/۴	۱/۴	۱/۴	۲	۱ نفر
۱۵/۹	۱۴/۵	۱۴/۴	۲۱	۲ نفر
۴۲/۸	۲۶/۹	۲۶/۷	۱	۳ نفر
۷۳/۸	۳۱	۳۰/۸	۴۵	۴ نفر
۸۷/۶	۱۳/۸	۱۳/۷	۲۰	۵ نفر
۹۴/۵	۶/۹	۶/۸	۱۰	۶ نفر
۱۰۰	۵/۵	۵/۵	۸	۷ نفر و بیشتر
	۱۰۰	۹۹/۳	۱۴۵	کل
		۰/۷	۱	بی پاسخ
		۱۰۰	۱۴۶	کل
۸/۳	۸/۳	۸/۲	۴	۱ نفر
۲۹/۲	۲۰/۸	۲۰/۴	۱۰	۲ نفر
۶۰/۴	۳۱/۳	۳۰/۶	۱۵	۳ نفر
۷۹/۲	۱۸/۸	۱۸/۴	۹	۴ نفر
۸۹/۶	۱۰/۴	۱۰/۲	۵	۵ نفر
۹۵/۸	۶/۳	۶/۱	۳	۶ نفر
۱۰۰	۴/۲	۴/۱	۲	۷ نفر و بیشتر
	۱۰۰	۹۸	۴۸	کل
		۲	۱	بی پاسخ
		۱۰۰	۴۹	کل

یافته‌های استنباطی:

۱. به نظر شما کدام قسمت واحد مسکونی تان، بیشتر ممکن است در معرض خطرات ناشی از انواع جرم‌ها (سرقت، ورود بی‌اجازه، آدم‌ربایی، درگیری و ضرب و شتم، آزار و اذیت، قتل و...) قرار گیرد؟				
متوسط درصد تراکمی	متوسط درصد معتبر	فراوانی	مسکن	
۳۸/۱	۳۸/۱	۶۴	در ورودی واحد	بسیجیان تالش و مهر رشت و ارکید رشت
۵۸/۹	۲۰/۸	۳۵	بالکن و پنجره	
۱۰۰	۴۱/۱	۶۹	سایر	
		۹۱	بدون پاسخ	

در ورودی واحد مسکونی و بازشوها (بالکن و پنجره) تقریباً در هر سه مکان نمونه مورد پیمایش، واجد بیشترین نگرانی از وقوع جرم شناسایی شده‌اند. به طوری که متوسط این میزان در پنجره‌ها و بالکن‌های واحدهای مسکونی ۳۸/۱ درصد اعلام شده است. میزان نگرانی از وقوع جرم از طریق در ورودی واحد مسکونی، ۲۰/۸ درصد است. این امر نشان‌دهنده اهمیت ارایه راهکارهای کنترل دسترسی در سطح واحد برای کاهش وقوع جرم از طریق ممانعت از نفوذ است. لازم به ذکر است که برای افزایش کارایی بالکن‌ها در راستای مقاوم نمودن در برابر نفوذ، افزایش میزان استفاده‌ی مداوم از آن‌ها مؤثر است و در خصوص در ورودی واحد مسکونی و پنجره‌ها، تمهیدات فعال^۱ مثمر ثمر است. نکته حایز اهمیت، میزان وجود نگرانی از وقوع جرم در خصوص در ورودی در نمونه مورد مطالعه مناسب (مسکن ارکید گلزار رشت) است که از دو نمونه مورد مطالعه دیگر بیشتر است که از تحلیل این آمار می‌توان نتیجه گرفت که راه نفوذ با وجود راهکارهای مناسب در سایر حوزه‌های خطر در واحد مسکونی در مسکن ارکید گلزار رشت، به در ورودی محدود شده است. بنابراین تکمیل راهکارهای طراحی غیرفعال، با استفاده از راهکارهای فعال احساس می‌شود. این امر نیز به نوبه خود، مبین تأثیر بیش تر راهکارهای اصل کنترل دسترسی نسبت به راهکارهای منتج از سایر اصول است.

۲. به چه میزان از بالکن‌های واحد مسکونی خود استفاده مداوم می‌کنید؟					
درصد تراکمی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	مسکن	
۲۳/۸	۲۳/۸	۲۳/۴	15	بسیار زیاد	بسیجیان
۴۱/۳	۱۷/۵	۱۷/۲	11	زیاد	
۶۱/۹	۲۰/۶	۲۰/۳	13	متوسط	
۸۵/۷	۲۳/۸	۲۳/۴	15	کم	
۱۰۰	۱۴/۳	۱۴/۱	9	بسیار کم	
	۱۰۰	۹۸/۴	63	کل	
		۱/۶	1	بی پاسخ	
		۱۰۰	64	کل	
۱۷/۱	۱۷/۱	۱۷/۱	25	بسیار زیاد	مهر
۳۲/۲	۱۵/۱	۱۵/۱	22	زیاد	
۷۶	۴۳/۸	۴۳/۸	64	متوسط	
۹۵/۲	۱۹/۲	۱۹/۲	28	کم	
۱۰۰	۴/۸	۴/۸	7	بسیار کم	
	۱۰۰	۱۰۰	146	کل	
۱۰/۴	۱۰/۴	۱۰/۲	5	بسیار زیاد	گلزار
۵۴/۲	۴۳/۸	۴۲/۹	21	زیاد	
۸۱/۳	۲۷/۱	۲۶/۵	13	متوسط	
۹۳/۸	۱۲/۵	۱۲/۲	6	کم	
100	۶/۳	۶/۱	3	بسیار کم	
	100	98	48	کل	
		2	1	بی پاسخ	
		100	49	کل	

از آنجایی که بالکن‌ها، به‌ویژه در ساختمان‌های مسکونی میان‌مرتبه، یکی از راه‌های اصلی نفوذ به واحد مسکونی هستند، بنابراین راهکارهای معماری پیشگیری از وقوع جرم برای این عنصر معماری، براساس اصل کنترل دسترسی مطرح است. با توجه به این‌که نحوه و مدت استفاده از بالکن بر چگونگی کنترل دسترسی فضا مؤثر است، ابعاد و اندازه و مساحت، محل قرارگیری، شکل و نحوه‌ی ارتباط با فضاهای داخل واحد، بر میزان استفاده مداوم ساکنان و در نتیجه میزان کنترل دسترسی مؤثر است.

طبق آن چه گفته شد، میزان استفاده مداوم از بالکن که بیان‌گر مؤثر بودن این عنصر معماری در شکل‌گیری شرایط مساعد برای کاهش میزان وقوع جرم است (موفقیت در دستیابی به اهداف طراحی درخصوص پیشگیری از وقوع جرم از طریق افزایش میزان حضور ساکنان و امکان کنترل بیش‌تر)، در مسکن بسیجیان تالش و مسکن مهر رشت و مسکن ارکید گل‌سار رشت به ترتیب برابر است با: ۴۱/۳ درصد، ۳۲/۲ درصد و ۵۴/۲ درصد. این در حالی است که در مسکن مهر رشت، ۴۲/۸ درصد پاسخ‌دهندگان بر این عقیده هستند که در صورت اصلاح نارسایی‌های بالکن‌ها (عمق، مساحت، جهت‌گیری، ارتفاع و جان‌پناه)، میزان استفاده آن‌ها از بالکن‌های واحدهای‌شان افزایش پیدا خواهد کرد. این میزان برای مسکن بسیجیان تالش ۳۴/۹ درصد و برای مسکن ارکید گل‌سار رشت ۷۳/۳ درصد است. راهکارهای مرتبط با این پرسش، در حوزه کنترل دسترسی فیزیکی و بصری ارایه می‌شود. یعنی اعضای ساکن در واحد بتوانند به راحتی به بالکنی متناسب با کارکردها و نیازهای مورد نظرشان دست پیدا کنند ولی از دسترسی بیگانگان چه از نظر فیزیکی مانند ورود بی‌اجازه و نفوذ و چه از نظر بصری مانند اشرافیت، در امان باشند.

۳. در صورت عمق و مساحت مناسب بالکن و جهت‌گیری آن و ارتفاع مناسب جان‌پناه، به چه میزان مدت زمان استفاده شما از آن فضا افزایش پیدا خواهد کرد؟

مسکن		فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
بسیجیان	بسیار زیاد	12	18/8	19	19
	زیاد	10	15/6	15/9	34/9
	متوسط	14	21/9	22/2	57/1
	کم	13	20/3	20/6	77/8
	بسیار کم	14	21/9	22/2	100
	کل	63	98/4	100	
	بی پاسخ	1	1/6		
کل		64	100		
مهر	بسیار زیاد	20	13/7	13/8	13/8
	زیاد	42	28/8	29	42/8
	متوسط	43	29/5	29/7	72/4

89/7	17/2	17/1	25	کم		
100	10/3	10/3	15	بسیار کم		
	100	99/3	145	کل		
		0/7	1	بی پاسخ		
		100	146	کل		
57/8	57/8	53/1	26	بسیار زیاد		گلزار
73/3	15/6	14/3	7	زیاد		
88/9	15/6	14/3	7	متوسط		
93/3	4/4	4/1	2	کم		
100	6/7	6/1	3	بسیار کم		
	100	91/8	45	کل		
		8/2	4	بی پاسخ		
		100	49	کل		

۴. به چه میزان تمایل دارید داخل واحد مسکونی شما، از بیرون دید داشته باشد؟						
درصد تراکمی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	مسکن		
9/5	9/5	9/4	6	بسیار زیاد		بسیجیان
15/9	6/3	6/3	4	زیاد		
25/4	9/5	9/4	6	متوسط		
52/4	27	26/6	17	کم		
100	47/6	46/9	30	بسیار کم		
	100	98/4	63	کل		
		1/6	1	بی پاسخ		
		100	64	کل		
4/8	4/8	4/8	7	بسیار زیاد		مهر
11/6	6/8	6/8	10	زیاد		
25/3	13/7	13/7	20	متوسط		
44/5	19/2	19/2	28	کم		
100	55/5	55/5	81	بسیار کم		
	100	100	146	کل		
2	2	2	1	بسیار زیاد		گلزار

راهکارهای معماری پیشگیری از وقوع جرم در مجموعه‌های مسکونی باز در سطح واحد مسکونی / ۱۰۹

4/1	2	2	1	زیاد	
18/4	14/3	14/3	7	متوسط	
55/1	36/7	36/7	18	کم	
100	44/9	44/9	22	بسیار کم	
	100	100	49	کل	

در هر سه مکان مورد مطالعه، غالب شرکت کنندگان در پیمایش، تمایل چندانی برای وجود شرایطی که امکان رویت فضاهای داخلی واحدشان را از بیرون میسر می‌ساخت، نداشتند. میزان این تمایل در مسکن‌های بسیجیان، مهر و ارکید به ترتیب عبارت‌اند از: ۱۵/۹ درصد، ۱۱/۶ درصد و ۴/۱ درصد. از این بین، میزان مشارکت ساکنان در مسدود کردن دید پنجره‌ها و اشوها از طریق نصب پرده‌های سنگین به ترتیب در بسیجیان و مهر و ارکید عبارت است از: ۵۰/۸ درصد، ۳۹ درصد، ۲۸/۶ درصد. این آمار، مبین اقبال نکردن از راهکارهای اصل نظارت طبیعی برای کاهش وقوع جرم است. ناگفته نماند که راهکارهای اصل نظارت طبیعی در سایر کشورهایی که ویژگی‌های دینی و فرهنگی آن‌ها، امکان رویت فضاهای عرصه عمومی واحدهای مسکونی‌شان (پذیرایی، هال، آشپزخانه و...) را از فضای خارج میسر می‌سازند، بسیار مدنظر است.

۵. به چه میزان استفاده از پرده‌های چندلایه و سنگین، سبب کاهش استفاده شما از پنجره‌ها شده است؟

درصد تراکمی		درصد معتبر		درصد	فراوانی	مسکن	
15/9	15/9	15/6	10	بسیار زیاد	بسیجیان		
50/8	34/9	34/4	22	زیاد			
74/6	23/8	23/4	15	متوسط			
90/5	15/9	15/6	10	کم			
100	9/5	9/4	6	بسیار کم			
	100	98/4	63	کل			
		1/6	1	بی پاسخ			
		100	64	کل			
15/8	15/8	15/8	23	بسیار زیاد	مهر		
39	23/3	23/3	34	زیاد			

74/7	35/6	35/6	52	متوسط		
93/8	19/2	19/2	28	کم		
100	6/2	6/2	9	بسیار کم		
	100	100	146	کل		
10/2	10/2	10/2	5	بسیار زیاد	گلسار	
28/6	18/4	18/4	9	زیاد		
69/4	40/8	40/8	20	متوسط		
93/9	24/5	24/5	12	کم		
100	6/1	6/1	3	بسیار کم		
	100	100	49	کل		

۶. متوسط عمق بالکن‌های واحد مسکونی شما چقدر است؟						
درصد تراکمی	معتبر درصد	درصد	فراوانی	مسکن		
21/3	21/3	20/3	13	کمتر از ۱ متر		بسیجیان
98/4	77	73/4	47	۱-۲ متر		
100	1/6	1/6	1	بیش از ۲ متر		
	100	95/3	61	کل		
		4/7	3	بی پاسخ		
		100	64	کل		
16/5	16/5	15/8	23	کمتر از ۱ متر		مهر
81/3	64/7	61/6	90	۱-۲ متر		
100	18/7	17/8	26	بیش از ۲ متر		
	100	95/2	139	کل		
		4/8	7	بی پاسخ		
		100	146	کل		
19/1	19/1	18/4	9	کمتر از ۱ متر		گلسار
95/7	76/6	73/5	36	۱-۲ متر		
100	4/3	4/1	2	بیش از ۲ متر		
	100	95/9	47	کل		
		4/1	2	بی پاسخ		
		100	49	کل		

نکته قابل توجه درخصوص بالکن‌ها، این است که با وجود دارا بودن بالکن حدود ۹۵ درصد از واحدها، در مسکن بسیجیان حدود ۲۱/۳ درصد این بالکن‌ها، کم‌تر از ۱ متر عمق دارند. این آمار برای مسکن مهر رشت و مسکن ارکید گلزار رشت به ترتیب برابر است با: ۱۶/۵ درصد و ۱۹/۱ درصد. بالکن‌هایی با چنین عمق کم، برای بیش‌تر فعالیت‌های مورد نیاز رونق بالکن و استفاده مداوم از آن بسیار ناکارآمد است. عمده‌ترین مشکلات بالکن‌ها از نظر پاسخ‌دهندگان هر سه مکان به ترتیب: مساحت کم، اشراف ساختمان‌های مجاور یا مقابل و جهت قرارگیری بالکن بیان شده است که راهکارهای اصل کنترل دسترسی در این جا توصیه می‌شود.

۷. آیا تاکنون واحد مسکونی شما مورد جرم و بزه خاص (سرقت، ورود بی‌اجازه، آدم‌ربایی، درگیری و ضرب و شتم، قتل و...) قرار گرفته است؟					
مسکن		فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
بسیجیان	بله	41	64/1	65/1	65/1
	خیر	22	34/4	34/9	100
	کل	63	98/4	100	
	بی پاسخ	1	1/6		
کل		64	100		
مهر	بله	37	25/3	25/7	25/7
	خیر	107	73/3	74/3	100
	کل	144	98/6	100	
	بی پاسخ	2	1/4		
کل		146	100		
گلزار	بله	8	16/3	16/3	16/3
	خیر	41	83/7	83/7	100
	کل	49	100	100	

۶۵/۱ درصد واحدهای مسکونی مسکن بسیجیان تالش، تاکنون حداقل یک بار مورد بزه قرار گرفته‌اند که این میزان برای مسکن مهر رشت و مسکن ارکید گلزار رشت به ترتیب برابر ۲۵/۷ درصد و ۱۶/۳ درصد است. در تناظر با این آمار، میزان درصد تراکمی استفاده از بالکن‌ها در مسکن بسیجیان تالش، مهر رشت و ارکید گلزار رشت (متوسط تا بسیار زیاد) به ترتیب

برابر است با ۶۱ درصد، ۷۶ درصد و ۸۱/۳ درصد که مبین ارتباط میان کاهش میزان وقوع جرم با افزایش میزان استفاده ساکنان از بالکن واحدهای مسکونی است.

بحث و نتیجه‌گیری

در قسمت نتیجه‌گیری، راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی در سطح واحد مسکونی منتج از اصول چهارگانه پیشگیری از وقوع جرم که از تحلیل پژوهش‌های میدانی و کتابخانه‌ای به دست آمده‌اند، ارائه می‌شوند. لازم به ذکر است همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد، در سطح واحد مسکونی، غالب راهکارهای تأثیرگذار در کاهش میزان وقوع جرم از طریق معماری، براساس اصل کنترل دسترسی در راستای ممانعت از نفوذ از طریق بازشوهای واحد (بالکن‌ها، پنجره‌ها و در ورودی و...) تعریف می‌شوند، زیرا راهکارهای قابل استخراج از اصول دیگر به علت تمایل نداشتن ساکنان به امکان رویت فضای داخل واحد مسکونی (اصل نظارت طبیعی)، نبود امکان افزایش قلمروگرایی ساکنان واحد از طریق طراحی به دلیل فقدان عرصه عمومی (قلمروپایی) و تعارض با محرمیت و آسایش فضاهای داخل واحد (اصل شنودپذیری) با موفقیت کم‌تری مواجه هستند.

- پرهیز از طراحی بالکن در واحدهای طبقات هم‌کف و اول به سمت جبهه‌های عمومی ساختمان (به منظور جلوگیری از دسترسی آسان بزه‌کار)؛
- دقت در طراحی جداره خارجی بالکن‌ها به گونه‌ای که امکان دیدن و دیده نشدن را برای کاربر بالکن در اختیار بگذارد. خلاقیت در طراحی ارتفاع کف پنجره و استفاده از پوشش‌های گیاهی گلدانی می‌تواند ثمربخش باشد. این کار خود به افزایش میزان استفاده از بالکن نیز منجر می‌شود؛
- طراحی دیدهای مناسب برای واحدهای مسکونی به طوری که بالکن‌های شان بتوانند از این دیدها برای رواج استفاده از بالکن، بهره ببرند، هرچند تدابیر تغییرات محیطی برای این راهکار، اقداماتی در سطح ساختمان مسکونی و مجموعه مسکونی را طلب می‌کند، ولی باید توجه داشت که بسیاری از بالکن‌های واحدهای مسکونی (چنانچه در نتایج

پرسش نامه مشخص بود) به علت جبهه‌گیری به سمت معبری شلوغ و پرصدا با اشرافیت عمومی، بی‌استفاده مانده‌اند؟

- وجود سقف‌های سازه در ساختمان‌های دارای بام شیروانی برای حذف امکان ورود به واحد مسکونی فوقانی از طریق شکافتن مصالح ضعیف بام؛
- ترجیح جانمایی بالکن‌های واحد مسکونی در جبهه مشرف به فضای نیمه‌عمومی ساختمان (حیاط) و اطمینان از مساحت مناسب آن؛
- تمهیدات حفاظتی واحدهای دوبلکس یا بیشتر با توجه به تمرکز امکان نفوذ چند برابر به آن‌ها مانند: امکان مسدود کردن ارتباط داخلی طبقات، تمهیدات غیرفعال درخصوص ورودی‌های خارجی واحد مسکونی در طبقات و...؛
- طراحی و جانمایی درهای شیشه‌ای ورودی به واحد که به‌ویژه در بالکن‌ها بکار می‌روند به گونه‌ای که در صورت شکستن شیشه، دستگیره در قابل دسترس نباشد؛
- استفاده از روش‌های خلاقانه در طراحی بالکن مانند یکسان نبودن جانمایی بالکن‌ها در طبقات، چرخش‌های هدفمند و زوایای نامتعارف و...، در راستای استفاده از ظرفیت‌های طراحی و فضا برای حذف وضعیت اشرافیت زیاد بالکن‌های واحدها نسبت به هم (هم در مقیاس طراحی واحدهای مسکونی و هم در مقیاس طراحی بالکن‌های واحدها)؛
- پرهیز از طراحی و تعبیه داکت‌های مشترک برای دو یا چند واحد و نیز داکت‌هایی که دارای قابلیت نفوذ از بام هستند؛
- امکان مسدود کردن کلی یا جزئی واشوها و بالکن‌ها به طور آسان با پیش‌بینی ریل‌هایی برای صفحات آهنی متحرک با نمای مناسب در شرایط خاص مانند مسافرت‌های طولانی یا هنگام وجود کارگاه‌های تعمیراتی یا ساخت‌وساز در نزدیکی ساختمان؛
- پرهیز از طراحی بالکن‌ها به گونه‌ای که سبب ایجاد حالتی پلکان مانند در نمای ساختمان که سبب سهولت در صعود و ورود به واحدها از طریق بزه کار می‌شود؛

- حذف تجهیزات و لوله‌ها در بالکن‌ها که بتوان از آن به‌عنوان دستگیره برای سهولت در ورود یا صعود یا فرار غیرقانونی استفاده کرد؛
- تلاش برای افزایش قابلیت دفاع پنجره‌های واحدهای مستقر در طبقات هم‌کف و اول از طریق تنظیم مناسب ارتفاع کف پنجره؛
- استفاده از پوشش‌های مشبک پنجره‌ها برای ایجاد امکان دیدن و دیده نشدن و نیز استفاده از سایه، همراه با مسدود نشدن دید؛
- پرهیز از توجه زیاد به تزیینات ظریف در ورودی واحد که سبب تحریک و نیز غفلت از استحکامات آن می‌شود؛
- تلاش برای افزایش شفافیت میان فضاهاى داخلی واحد مسکونی از طریق طراحی واشوهای داخلی یا استفاده از مصالح شفاف.

فهرست منابع

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۸). مجموعه رویه‌های بین‌المللی پیشگیری از جرم. تهران: میزان.
- شنایدر، تاد (۱۳۸۵). پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی در مراکز آموزش. به‌ریز، سروش (مترجم). تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- اک، جان؛ چینی، اسپنسر؛ کامرون، جمز؛ لیتر، میشل و ویلسون، رونالد (۱۳۹۰). تهیه نقشه برای تحلیل بزهکاری. کلانتری، محسن و شکوهی، مریم (مترجمان). زنجان: آذر کلک.
- اکبری، الهه و گهرپور، محمدزهدی (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر تحلیل مکانی جرم و جنایت با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی. سبزوار: سینا کتاب.
- بابایی، محمدعلی و انصاری، اسماعیل (۱۳۹۳، بهار). تحلیل اقتصادی پیشگیری از جرم. مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز. ۶(۱)، ۳۱-۶۰.
- پنیاء، ویلیام و پارشال، استیون (۱۳۸۱). مبانی برنامه‌ریزی معماری. احمدی نژاد، محمد (مترجم). اصفهان: خاک.

- جلالی، محدثه و سیدزاده ثانی، سیدمهدی (۱۳۹۵). ارزیابی پروژه مسکن مهر شهرستان بجنورد از منظر نظریه پیشگیری از جرم با طراحی محیطی. پژوهشنامه حقوق کیفری. ۲(۷)، ۵۷-۳۳.
- جوان‌جعفری، عبدالرضا و سیدزاده ثانی، سیدمهدی (۱۳۹۱). رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم. تهران: میزان.
- جواهریان، مهرداد و سیدین، سیدامین (۱۳۹۰). اصول پایه در شکل‌گیری مسکن ایرانی. نخستین همایش ملی مسکن ایرانی. شیراز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.
- چری، ادیث (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی برای طراحی (از تئوری تا عمل). پورناصری، شهناز (مترجم). تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- حبیبی، سیدمحسن و مسایلی، صدیقه (۱۳۸۷). سرانه کاربری‌های شهری. تهران: نشر سازمان ملی زمین و مسکن.
- دامارت، لوسیا، بیلی، جان، فریرا، آلیدا، گرین، مارگاریتا، گرین، ریکاردو، میگوئل کروز، ژوزه و زولو، الیا (۱۳۹۳). جامعه و احساس امنیت. بهروان، حسین (مترجم). قم: ائمه (علیه السلام).
- دانستر، دیوید (۱۳۸۵). جان کلام طراحی. مخبر، عباس (تدوین). مجله معمار. (۳۸).
- ذوالقدر، محمدباقر (۱۳۹۱). رهیافت‌های نوین پیشگیری از جرم. تهران: میزان.
- رحمت، محمدرضا (۱۳۸۸). پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی. تهران: میزان.
- زیاری، کرامت‌الله (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی کاربردی اراضی شهری. تهران: دانشگاه تهران.
- قاسم‌زاده، مسعود (۱۳۹۱). معیارهای ابعادی و ملاحظات طراحی فضاهای واحد مسکونی شهری. تهران: مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی.
- قربان‌پور راسخ، مریم و بابایی، محمدعلی (۱۳۹۶). اردیبهشت). ارزیابی طرح مسکن مهر رشت از منظر پیشگیری محیطی از جرم. پژوهشنامه حقوق کیفری دانشگاه گیلان. ۱(۱۵)، ۲۳۵-۲۰۷.

- کرو، تیموتی (۱۳۸۷). نقش معماری در پیشگیری از جرم. عامری سیاهویی، حمیدرضا (مترجم). تهران: انتشارات مجد.
- کلارک، رونالد (۱۳۸۸). پیشگیری از جرم، مطالعه موردی سرقت خودروها و سرقت از خودروهای داخل پارکینگ. مقیمی، مهدی (مترجم). تهران: روناس.
- کلارک، رونالد و اک، جان (۱۳۸۸). جرم‌شناسی پیشگیری، ۶۰ رویه و راهکار برای پیشگیری از جرم. مقیمی، مهدی و تقی‌زاده، مهدیه (مترجمان). تهران: سازمان زرد.
- کلکوهن، ایان (۱۳۸۷). طراحی عاری از جرم؛ ایجاد مناطق امن و پایدار. عامری سیاهویی، حمیدرضا و رایجیان اصلی، مهرداد (مترجمان). تهران: نشر میزان.
- کوردنر، گری (۱۳۹۰). کاهش ترس از جرم. حسونوند، اسماعیل و حسونوند، احسان (مترجمان). تهران: جامعه‌شناسان.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۰). مبانی جرم‌شناسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گروت، لیندا و وانگ، دیوید (۱۳۹۱). روش‌های تحقیق در معماری. عینی‌فر، علیرضا (مترجم). تهران: دانشگاه تهران.
- گلدشتاین، آرنولد (۱۳۹۱). روان‌شناسی تخریب‌گری (رفتار مخرب). نیکوپور، جهانبخش (مترجم). تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- گل‌محمدی خامنه، علی (۱۳۸۷). پیشگیری از جرایم. تهران: جهان جام جم.
- مقیمی، مهدی (۱۳۹۶). بررسی نقش مکان در ایجاد موقعیت جرم؛ تدوین و تنظیم تدابیر و راهکارهای مکان‌محور برای پیش‌گیری وضعی از جرم. فصلنامه انتظام اجتماعی. ۱(۹)، ۱۵۵-۱۸۶.
- مگوایر، مک، مورگان، راد و رینر، رابرت (۱۳۹۳). دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد. ملک‌محمدی، حمیدرضا (مترجم). تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۹). پیشگیری از بزه‌کاری و پلیس محلی. نشریه امنیت. ۱۹(۲ و ۱۹)، ۱۹.

- Abdullah, A., Sallehb, M., Sakipa, S. (2011). Fear of Crime in Gated and Non-gated Residential Areas. *Asia Pacific International Conference on Environment-Behaviour Studies*. 35, pp. 63 ° 69. Famagusta: Elsevier - Procedia - Social and Behavioral Sciences.
- Cozens, P., Love, T. (2015). A Review and Current Status of Crime. *Journal of Planning Literature*, 1-20. doi:10.1177/0885412215595440
- DeKeseredy, W., Shahid, A., Renzetti, C., Schwartz, M. (2005). Reducing Private Violence against Women in. UKnowledge, University of Kentucky, 3(1), 27-36. Retrieved from http://uknowledge.uky.edu/crvaw_facpub
- Ryan, S., Pitard, B. (2010). Crime Prevention Through Environmental. Washington, DC: American Public Transportation Association.
- Sakip, S., Abdullah, A. (2010). Measuring Crime Prevention through Environmental Design. ASEAN Conference on Environment-Behaviour Studies. 42, pp. 340 ° 349. Sarawak, Malaysia: Elzevier - Procedia - Social and Behavioral Sciences.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی